info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۷۶۱
چهارشنبه / ۱۰ دی / ۱۳۹۹
۱۵ / جمادی الاول / ۱۴۴۲
30 / December / 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۳-۲۲۵۲۳۲۴۲-۰۲۶ فکس ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

ای مهربان

ای تار و پود و ریشه ام، عمرم تویی ای مهربان
ای فکر و ای اندیشه ام، یارم تویی ای جان جان

باشد چنان مرغی اسیر، در بند گیسویت دلم
ای همدم شب های تار، ای مونسم ای همزبان

من عاشق کوی توأم، مست از سبوی انتظار
در هر نفس خوانم تو را، ای نور ارض و آسمان

تو در کنارم دائماً، من از تو دورم یار من
من کی توانم بینمت، کی از تو من یابم نشان

یاد تو ای محبوب من، سودای هر صبح و شبم
من شیفته و شیدای تو، رویت نما بر من عیان

بر خانه ی چشمم بیا، تا بوسه بر پایت نهم
از بند هجرم کن «رها»، زیبای من آرام جان

بهروز قاسمی(رها)

تلنگر

دانشگاه و اریکه ملک الشعرا یی شعر

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، اتفاق مبارکی است سنجش شعر در بوته نقد دانشگاهیان را رویکردی روزآمد. شعر عالی ترین تجسم التزامی کلام است که در بیگران خلاقیت گام به گام السان، مراتب کمال را پیموده است. منتاً و مولد دیدگاه نقادانه نسبت به این هنر دلپذیر را نمی توان به زمان، مکان یا قومی خاص محدود و منحصر کرد. هرچند مرسوم است در تشخیص بوطیقای شعر و تدوین نخستین گونه های طبقه بندی آن، مانند بسیاری علوم دیگر، یونانیان باستان و بالاخص ارسطو و فن شعر او را پیشگام بدانند. از آن روزگاران تاکنون عروس هزار چهره شعر در هر زبان و فرهنگی جلوه کرده و عشاق سینه چاک بسیاری داغه سروری و پادشاهی بر این قلیم پهناور را در سر داشته اند. هر یک از ایشان به فراخور حال خود در این میدان کمیتی رانده اند. گاه که بخت با آنها یار بوده، بر اریکه ملک الشعرایی تکیه زده و همچون عنصری بر سفره ای از ظروف زرنگار نشسته و گاه از بخت نامراد در حصار نای همچون مسعود سعد سلمان، دهها سال دُرّ نظم را با مروارید اشک و خون دل پرورده اند.

الهه شعر باید پای علوم و فنون دیگر در طول تاریخ زندگی بشر در تکامل معنوی و بالتبع فکری او تأثیر داشته است خواهم و قالب سرودهای حماسی و رزم نامه ها، خواه با نوای تغزل و ترانه یا در هیأت پند و حکمت، در گوشه و کنار کتابخانه ها و مراکز دانشگاهی استانی و دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی دیر گاهی است که با این مجموعه عظیم محتوی ندوز خرمن مواهب بی شمارش خوشها چیده اند. حالیا اتفاق مبارکی است ورود روشنفکران سخن پرداز در گرماگرم جریانات قدیمگی نسلی که چشم به دهان ایشان دوخته اند. در روزگاری که جهانیان پویش علمیی را آغاز کرده اند که به موجب آن خواهان پراهنش حصارهای اطراف دانشگاهها هستند تا پادداران دانش فارغ از دیوارها و بدون واسطه ها در متن جامعه عرض اندام کنند. برگزاری جشنواره هایی همچون جشنواره شعر را باید به فال نیک گرفت. همسویی و هماهنگی دانشگاه و دانشگاهیان و دعوت از ایشان برای ورود به این عرصه خطیر نیز اتفاق همایون دیگری است. چرا که دیر زمانی است دانشگاهها بویژه در حوزه علوم انسانی و ادبیات متهم به سرکوب خلاقیت و در این سال ها کمتر شاهد شکوفایی ادبی و نقش مؤثر دانشگاه در حوزه های جریان ساز شعر معاصر بوده ایم. نگرشی آسیب شناسانه به این حقیقت توجه به برخی تغییرات اساسی در ساماندهی جشنوارها و ورود استانان علوم و ادب در عرصه فعالیت های جاری ادبی را خاطرنشان می کند. این فرآیند مدتی است با حضور استانان جوان و صاحب ذوق در برخی کرسی های دانشگاهی آغاز شده است و گام مثبت و مفیدی در راستای پیوند هرچه بیشتر جامعه و دانشگاه محسوب می شود. دانشگاهی که پویا و همسو با جریانات جامعه نباشد محکوم به تکرار بیهوده مردمی است که هرچند بالقوه ارزشمند است ولی اگر چنانچه به مدد اتصال با نبض پویای جوامع به نسل های بعد منتقل نشود، کالبد پیر و محتضری است و هرلحظه مستعد فروپاشی است.

یکی دیگر از اقدامات مؤثری که در این خصوص انجام شده ایجاد گرایش های تخصصی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی در سال های اخیر است. برخی از این گرایش ها مانند گرایش نقد و نظریه ادبی، نگارش و ویرایش متون، ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات پایداری یا فرهنگ و ادبیات عامه، با موضوعات جدید و جریان ساز جامعه، ارتباط تنگاتنگ دارند. سنجش آثار و توجه به آفرینش های ادبی یا وجود عناوین درسی چون جامعه شناسی ادبیات، کارگاه شعر و داستان، کارگاه های نقد و نظریه ادبی، تاریخچه نقد، دوار شعر فارسی، ادبیات تطبیقی و آشنایی با انواع ادبی نوظهور در جهان، دلتی های بینارشتهای و ـ فضای بسیار مناسبی در اختیار استانان صاحب ذوق و دانشجویان علاقه مند قرار می دهد که بواسطه آن پیوند بیشتری بین آموخته های تئوریک و برداشت های کاربردی از ادبیات برقرار کنند. در چنین فضای انعطاف پذیری که قابلیت توسع فعالیت ها و همسویی با جریانات فراهم باشد، دانشگاه محل و موجب شکوفایی استعدادها خواهد بود. در سایه این رخدادهای مبارک اندیوالیم شاهد بالتن و رویش استعدادهای ادبی و اجرای رقابتی علمی و منصفانه در سایه همکاری شالنه به شالنه بدنه علمی دانشگاه ها با رگال های مرتبط باشیم.

بلبل عرشند سخن پروران
باز چه مانند به آن دیگران
چرده رازی که سخن پروری است
سایه ای از پرده پیغمبری است
پیش و پسی بست صف کبریا
پس شرا آمد و پیش انبیا
این دو نظر محرم یک دوستند
این دو چو مغز آن همه چون پوستند.

خبر

تاثیر مخرب کرونا بر سینما بیش از جنگ جهانی است

تیری فرمو، رئیس موسسه لومیر و جشنواره بین‌المللی فیلم کن به مناسبت فرارسیدن صدویست‌وپنجمین سالروز نمایش اولین فیلم در سینما، یادداشتی را درباره میراث سینما در پایگاه اطلاع‌رسانی ورایتی منتشر کرد

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، در این یادداشت آمده است: دسامبر ۲۰۲۰ (۸ دی ۹۹) سینما ۱۲۵ ساله شد. اما امسال این سالروز را با قلبی اندوهگین جشن می‌گیریم؛ چون برای اولین بار در تاریخ این سال‌ها در خطرند. ویروس کرونا با سینماها کاری کرد که جنگ‌های جهانی نکردند در سال ۲۰۲۰ میلادی، سینماها درهایشان را بستند و پرده‌هاشان را خاموش کردند. بدتر از آن هم اینکه سینماداران و سینماددوستان شاهد آن بودند که پلشت‌خرم‌های برخط با دست گذاشتن روی گنجینه‌های خانوادگی و مجموعه فیلم‌های معروف و موفق، فیلم‌سازان و فیلم‌دوستان را به یک اندازه اغوا کردند. اما به جای مقالات نوشته‌شده درباره مرگ سینما، ترجیحمان بر خواندن چیزی است که در حق‌شناسی و قدردانی نقش هنر هفتم در تمدن بشری نوشته شده باشد.

چهره‌های متعددی نظیر کوئنتین تارانتینو، کریستوفر نولان، دنیس ویلنوو و مارتین اسکورسیزی این روزها قویا از سینما حمایت کرده‌اند. همان‌طور که بی‌صبرانه منتظریم سال ۲۰۲۱ سال تجدید دیدار ما باشد، تماشاچیان همین حالا نیز حرفشان را زده‌اند.

سینماها ۱۲۵ سال پیش اختراع شدند و امروز مردم آنها را با ارآفرینی می‌کنند؛ چون جادوی سینما در حضور مردم است. بر خلاف ادیسون، لومیر فهمیده بود آنچه مردم واقعا می‌خواهند این است که در کنار هم و دربرابر پرده‌ای بزرگ، احساسات جهانی را به اشتراک بگذارند. سینماها آزمون‌های دیگری را نیز پشت‌سر گذاشته‌اند، بارها از نفس افتاده‌اند اما هنوز زنده هستند چون مردم نسبت به تجربیات جمعی اشتیاق دارند. سینماها هیچ‌گاه در نبودشان تا این اندازه حاضر نبودند.

کی دوباره همدیگر را می‌بینیم؟ به زودی باید این طور شود. می‌خواهیم به سالنی برگردیم دوباره در کنار کسی که نمی‌شناسیمش، روی پرده فیلمی را ببینیم که چیزی ازش نمی‌دانیم و پیمانی را که سینما همیشه به آن متعهد مانده و هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت، تجربه کنیم.

گفت و گو

ایرانیان نگران ثبت مفاخرشان توسط دیگر کشورها نباشند

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایلنا، طرح اخباری مبنی بر ثبت شب یلدا توسط جمهوری آذربایجان در یونسکو و ثبت مشترک هنر مینیاتور که ریشه در فرهنگ و تمدن ایرانی دارند با کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان و ازبکستان که سابقه چندانی در این هنر ندارند در کنار اخباری مبنی بر ثبت مشاهیر و مفاخر ایرانی توسط کشورهای همسایه، محور گفتگوی ایلنا با مرتضی رضوان‌فر (عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری) شد تا بدانیم آیا مسئولان فرهنگی ما در حفاظت و دفاع از میراث معنوی‌مان کم توجهی کرده‌اند؟

در شرایطی که بسیاری از مفاخر و میراث معنوی کشورمان توسط کشورهای دیگر ثبت شده است، عکس‌العمل مسئولان ما در این زمینه به چه صورت بوده است؟

در رسانه‌ها اینگونه مطرح می‌شود به علت بی‌توجهی متولیان فرهنگی، مفاخر ایران مثل فارابی، خیام، نظامی گنجوی و... را کشورهای دیگر به نام خود در یونسکو ثبت کرده‌اند که خیلی این ادعا صحت ندارد، زیرا یونسکو افراد و شخصیت‌ها را ثبت نمی‌کند، آن چیزی که در یونسکو آورده می‌شود تقویم شخصیت‌ها و رویداد است. بیشتر جهت بزرگداشت است و جنبه ثبت ندارد. این را اضافه کنم بیشترین مفاخر و شخصیت‌های فرهنگی در منطقه توسط ایران در این تقویم آورده شده است. این کار از وظایف کمیسیون ملی یونسکو است که به نظرم در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه خوب عمل کرده است.

یونسکو بعطور کلی سه لیست ثبتی دارد: میراث مادی یا ملموس مانند بناهای باستانی که چون قابل انتقال و حرکت نمی‌باشند چندان محل مناقشه و نزاع نیست. دسته دیگر میراث غیرمادی یا ناملموس است مانند آیین‌ها و آداب و رسوم که معمولا اعتراضاتی هم که توسط رسانه‌ها و فعالان فرهنگی صورت می‌گیرد، در این زمینه است و دسته سوم میراث مکتوب که به عنوان حافظه جهانی شناخته می‌شود. بنابراین این ادعا که مفاخر ایرانی توسط کشورهای دیگر در یونسکو ثبت شده، چندان صحیح نیست.

همانطور که اشاره گردید معمولا میراث ناملموس مورد مناقشه قرار می‌گیرد، یکی از مواردی که خیلی حساسیت‌برانگیز شد، شایعاتی مبنی بر پیش دستی جمهوری آذربایجان جهت ثبت شب یلدا در یونسکو بود، چقدر این شایعات صحت دارند؟

البته پاسخ این موارد را اداره کل ثبت قبلا اعلام کرده است. یلدا در نوبت ارزیابی یونسکو قرار دارد و قرار است ایران آن را به ثبت برساند، این ادعا که ایران سهل‌انگاری کرده و کشورهای دیگر یلدا را به اسم خود ثبت کرده‌اند صحت ندارد. پرونده یلدا برای ثبت در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ارسال شده، اما با توجه به محدودیت‌های سهمیه‌ای و حساسیت‌هایی که پرونده خوشنویسی داشت، خوشنویسی پیش از یلدا مطرح می‌شود.

در حال حاضر ایران چه پرونده‌هایی را برای ثبت به یونسکو ارائه کرده؟

هنر مینیاتور به‌صورت مشترک با ترکیه، جمهوری آذربایجان و ازبکستان و آیین زیارت کلیسای تادئوس مقدس به صورت مشترک با ارمنستان، هفته پیش ثبت شد. اداره کل ثبت در این دوره برخلاف دوره پیشین که به دلیل کم‌کاری چند سالی سهمیه ایران را سوزانده بود، فعالیت‌های خوب و موثری داشته و تن‌ها در یک سال و نیم اخیر ۹ پرونده تهیه و به یونسکو ارسال نموده است. همانطور که من چندین بار از کم‌کاری‌ها انتقاد کرده‌ام، جا دارد به سهم خودم از تلاش‌های اخیر تشکر کنم. در سایت میراث ناملموس یونسکو همه پرونده‌های ارسالی توسط ایران و دیگر کشورها، چه به‌صورت مستقل و چه مشترک، آورده شده است.

چرا هنر مینیاتور که در جهان به نام نقاشی ایرانی شناخته می‌شود؛ اکنون با کشورهایی که سابقه چندانی در این هنر ندارند به ثبت جهانی رسیده است؟

طبق آیین‌نامه یونسکو، قدمت و تاریخ اثر در یک کشور، معیار ثبت نیست. آنچه که اهمیت دارد زنده بودن و اجرای اثر است. اگر یک عنصر در ایران تولد یافته و بعدها به بیست کشور دیگر رفته باشد همه بیست کشور می‌توانند با مشترک یا به تنهایی درخواست ثبت دهند زیرا کنوانسیون حفاظت از میراث ناملموس دنبال ریشه‌یابی آیین‌ها و افتخارسازی برای کشورها نیست بلکه تلاش می‌کند با معرفی تنوعات فرهنگی در جهان، آیین‌ها و هنرهای موجود را زنده نگه دارد تا در مقابل غربی شدن و نابودی تنوعات فرهنگی مقاومت کند. لذا مجددا عرض می‌کنم از نظر یونسکو محل زایش و تولد یک اثر، معیار ثبت نیست بلکه در چه منطقی زنده است و اجرا می‌شود اهمیت دارد.

اما در برخی موارد این میراث مشترک بیش از آنکه عاملی جهت هم‌افزایی و نزدیکی بین این کشورها شده باشد، تبدیل به نزاع و مناقشه میان کشورها شده، برای مثال در حال حاضر افغانستان و ایران و ترکیه می‌کوشند مولوی را از آن خود بدانند. افغانستان می‌گوید مولوی، زادی این کشور و متعلق به ماست، ایران می‌گوید چون بلخ محل تولد مولوی در گذشته جزء قلمرو این کشور بوده، پس او ایرانی است. ترکیه هم می‌گوید مهم این است که به اینجا آمده و در کشور ما زندگی و فعالیت کرده و در قونیه از دنیا رفته است. علت این مناقشات چیست؟

همانطور که ابتدا عرض کردم، یونسکو شخصیت‌ها و رویدادها را ثبت نمی‌کند و این برداشت صحیح نیست که فلان کشور مولوی یا فارابی را به نام خود در یونسکو به ثبت رساند. چنین نیستی در یونسکو نیست و تن‌ها تقویم بزرگداشت شخصیت‌ها و رویدادها در یونسکو است که به معنی ثبت نیست و الحمدلله ایران افراد زیادی را در این تقویم معرفی کرده است. اما به دلیل احترام و حساسیتی که اقوام به مفاخر فرهنگی خود دارند هر گونه فعالیت مانند برگزاری همایش یا ساختن تندیس یا نام‌گذاری یک مکان به نام یک شخصیت مجددا بحث‌ها را زنده می‌کند. باید بگویم همین که هر سال این بحث‌ها و جدال‌ها در برخی نقاط جهان زنده می‌شود، علامت ضعف در کنوانسیون‌های یونسکو است و چندباری یونسکو از کارشناسان و کشورهای مختلف برای رفع این ایرادات راهنمایی و کمک خواسته است.

درباره برخی از کشورهای همسایه در قفقاز و آسیای میانه که به تازگی به استقلال رسیدند نیز بگویم، از آنجا که قرن‌ها بخشی از تمدن ایران بوده‌اند، هویت کاملا مستقلی ندارند و سعی دارند هویتی ارائه کنند که خود را از سایه فرهنگی و تمدنی ایران جدا کنند. برای همین گاهی دست به انحصار و تصاحب مفاخر مشترک با ایران می‌زنند. درباره سرقت‌های فرهنگی نیز باید توجه کرد. این رقابت‌ها و تعلک‌ها در طول تاریخ بوده است، هر قومی سعی کرده ابتدا مفاخر و میراث خود را معرفی کند، سپس بعد از مدتی دست به انحصار و تصاحب میراث مشترک و حتی مفاخر کشورهای دیگر می‌زند. اما این فعالیت‌ها در کنار مضرات، فوایدی هم داشته است، مثلا باعث توجه رسانه‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها به تلاش برای حفاظت از مفاخر یا میراث ناملموس شده است. همانطور که این کشورها برای ایران‌ستیزی و فارسی‌زدایی، جلسه می‌گذارند، برنامه تدوین می‌کنند و بودجه هزینه می‌کنند، ما نیز باید جلساتی متشکل از وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات، ارشاد، میراث فرهنگستان‌ها، سازمان مدیریت، کمیسیون‌های مجلس و... داشته باشیم و قوانین و برنامه‌های لازم را تدوین کنیم. در غیر این‌صورت کار به اختلافات قومی و امنیتی می‌کشد. باید به این امر توجه داشته باشیم که ایران از لحاظ قومیتی و زبانی دارای تنوعات قومی است؛ آذری، لُر، کرد، ترکمن، بلوچ، ارمنی، عرب، و... در یک کلیت واحدی به نام ایران زندگی می‌کنند. به همین جهت به نظر من ایران، ستیزان با دست‌درازی به مفاخر و میراث ایرانی به دنبال واکنش‌های تند و کنترل نشده هستند تا اقوام به یکدیگر توهین کنند و ایرانی بودن را فراموش کنند.

راهکار شما برای صیانت و حفظ میراث ناملموس کشورمان چیست؟

من چند راهکار پیشنهادی می‌کنم. یکی تشکیل کمیته‌های متشکل از دستگاه‌های ذکر شده در بالا، برای آسیب‌شناسی، پیش‌بینی اتفاقات آینده، تدوین راهکارها، تجمیع امکانات و غیره. دوم ترجمه و انتشار اسناد و اطلاعات مربوط به مفاخر و میراث مشترک ایران و کشورهای همسایه در رسانه‌های تخصصی و عمومی، زیرا در نبود اسناد و اطلاعات واقعی، اطلاعات جعلی در اختیار مردم و پژوهشگران قرار می‌گیرد. خیلی از این اطلاعات جعلی به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در دسترس قرار دارند، درحالیکه اسناد ما در آرشیوها راکد هستند و حتی پژوهشگران نیز نمی‌توانند به سهولت از آنها استفاده کنند. سوم تدوین مقررات و بودجه برای سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی برای شناسایی، مستندسازی و معرفی میراث مشترک در منطقه متلفانه، سفارتخانه‌ها غالبا می‌گویند امور فرهنگی مربوط به رایزنی هاست و رایزنی‌ها نیز می‌گویند در برنامه سالیانه دیده نشده و بودجه تخصیص داده نشده است. به عنوان چهارمین راهکار، به نظرم تشویق رسانه‌ها به نقد دستگاه‌های ذیربط در این ارتباط است، یعنی به‌جای انتقاد از دیگر کشورها که چرا در مراسم بزرگداشت مفاخری که در آن کشورها به دنیا آمده و زیسته‌اند، نام ایران را حذف می‌کنند، به دستگاه‌های خودمان، رسانه‌های خودمان و عملکردهای منفعلانه خودمان انتقاد کنیم تا مدیران بدانند مردم منتظر فعالیت و اطلاع‌رسانی هستند.

خشایار رضوی

خواندنی

ما سَبُک روحان، اسیرِ سادگی‌های دِلیم

بیدل دهلوی

امروز با حافظ

نام نیک ار طلبـد از تو غـریبی چـه شود
تویی امروز در این شهر که نامی داری
بس دعای سحرت مونس جان خواهد بود
تو که چون حافظ شبخیز غلامی داری

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۹	۰۷:۱۱	۱۲:۰۳	۱۶:۵۵	۱۷:۱۴

برگه

تنها کسـانی تحقیر می شوند که بگذارند تحقیرشان کنند.

الکس هیل

پرده جراید

قطع ۲۰۰۰ درخت پارک ملی کرخه برای جلوگیری از وقوع سیل!

ایران: زهرا کشوری – ۲ هزار درخت در پارک ملی کرخه برای ایجاد سیل‌بند قطع شد. برای تکمیل این طرح ۲ هزار درخت دیگر منطقه حفاظت‌شده کرخه نیز قرار است قطع می‌شود. در مجموع ۵ هزار درخت قطع شـود تا یک سیل‌بند ماسه‌ای با استفاده از رمل‌های غرب کرخه ساخته شود. برداشت این رمل‌ها هم به تخریب تپه‌ماهورها منجر شد. این تخریب حرکت شن‌های روان را سرعت می‌بخشد. قطع درختان انبوه جنگل‌های کرخه این سؤال را پیش می‌آورد که در کجای جهان پوشش جنگلی که خود به عنوان سـد طبیعی سیل عمل می‌کند، تخریب می‌شود تا با ایجاد یک دیوار ماسه‌ای جلوی سیل گرفته شود؟ کارشناسان منابع طبیعی از شوش تا تهران در پاسخ به این سؤال می‌گویند: «در هیچ کجای دنیا». آیا قطع درختان جنگل انبوه باعث سست شدن خاک و شدت سیل نمی‌شود؟ پاسخ این کارشناسان که ترجیح می‌دهند نامی از آنها به میان نیاید، مثبت اسـت. پس بر چه اساسی زیستگاه گوزن ایرانی تخریب شده تا یک سیل‌بند ماسه‌ای که احتمالا با سیل نشسته رُکنه می‌شود، ساخته شود؟ دوسنی مدیر منابع طبیعی شوش، پارک ملی کرخه را خارج از حیطه وظیفه سازمان جنگل‌ها می‌داند و اعتقاد دارد که محیط زیستی‌ها باید به این پرسش‌ها پاسخ بدهند. او می‌گوید: «البته مدیریت بحران شهر و استان هم هیچ مشورتی با آنها برای ساخت سیل‌بند نکرده‌اند تا آنها راهکار کارشناسی بدهند.» محمد الوندی، رئیس پارک ملی کرخه هم از مخالفت محیط زیسـت با احداث سیل بند در منطقه پارک ملی خبر می‌دهد و می‌گوید: «ستاد بحران استان برای قطع درختان پارک ملی کرخه مجوز محیط زیست را ندارد. امید بن‌عباس، مدیرکل مدیریت بحران خوزسـتان هم به ایسنا، می‌گوید: «مدیریت بحران خوزستان درخصوص صدور مجوز برای احداث سیل‌بند در منطقه حفاظت شده کرخه نقشی ندارد» پس چه کسی به ساخت سیل بند مجوز داده که در پی آن حداقل ۲ هزار درخت کهن کرخه قطع شـد؟ پیمانکار سیل‌بند، بنیاد مسکن به روزنامه ایران می‌گوید: «ستاد مدیریت بحران»

بیش از ۲۰۰۰ درخت قطع شده است؟

فعالان محیط زیست شوش احتمال می‌دهند بیش از دو هزار درخت در وسعتی ۲ هزار متری قطع شده باشد. الوندی رئیس پارک ملی کرخه می‌گوید: «ما هر ۲۰ متر مربع را یک درخت یا نهال حسـاب کرده‌ایم. تاکنون ۴ هکتار تخریب شده که ۲ هزار نهال و درخت را شامل می‌شود. اگر طرح ادامه یابد ۵ هکتار دیگر هم تخریب می‌شـود.» براساس این حساب و کتاب بیش از ۴ هزار درخت قطع می‌شود تا تپه‌ماهورهای غرب کرخه تخریب شوند، با کامیون در مسیر درختان قطع شده ماسه ریخته و با غلطک سـفت شوند. سیل بند با هدف جلوگیری از ورود سیل به روستای دوار ساخته می‌شود. آیا این دیوره ماسه‌ای می‌تواند از ورود سیل جلوگیری کند؟ آیا با توجه به عدم چسبندگی ماسه‌ها خود به عاملی برای دفن زمین‌های کشاورزی زیر خاک در زمان سیل تبدیل نمی‌شود؟ رضا خیرآبادی، فعال محیط زیست شوش به «ایران» می‌گوید: «برای ایجاد چسبندگی آهک به ماسه اضافه شده است اما هیچ اطمینانی وجود ندارد که تخریب نشـود و جنگل و اراضی کشاورزی زیر خاک دفن نشوند» مجری طرح بنیاد مسکن در پاسخ به این سؤال الوندی رئیس پارک ملی کرخه می‌گوید: «به محیط زیست گفته شده است که اگر سیل بخواهد از دیواره ۳ متری بالا بزند، بخشی از سیل‌بند را تخریب و سیل را به سمت سیل‌بندهای دیگر هدایت می‌کنند.»

الوندی احداث سیل‌بند را نتیجه مصوبه ستاد بحران استان بعد از سیل سال ۹۸ می‌داند. آن سیل خسارت بسیار زیادی به شهرها و روستاهای خوزستان زد. به گفته الوندی قرار بود سیل‌بند در زمین‌های کشاورزی زده شود، اما کشاورزان موافقت نکردند. محیط زیست به آنها پیشنهاد می‌دهد حداقل بخشـی از سیل بند را در زمین‌های کشاورزی بزنند و بخشی را در پارک ملی اما گفت‌وگوها به نقطه تفاهم نمی‌رسد و همه طرح در پارک ملی پیاده می‌شـود. پیمانکار در حالی ۲ هزار درخت را قطع کرده که تصاویر موجود نشـان می‌دهند پوشش درختی در سال ۹۸ اجازه ایجاد سیل در منطقه جنگلی را نداد. الوندی می‌گوید: «وقتی کشاورزان اجازه ندادند سیل بند از زمین‌های کشاورزی بگذرد طول سیل بند را با تخریب ۴ هکتار از منطقه حفاظت شـده افزایش دادند و یک روسـتای دیگر هم در این مسیر قرار گرفت. تمام این مسیر در داخل منطقه حفاظت شده است.»

الوندی از مخالفت حفاظت محیط زیست در ابتدای کار خبر می‌دهد و می‌گوید: «کار را با دسـتور مقام قضایی متوقف کردیم اما ۴۵ روز بعد توانسـتند از دادگاه رأی تبرئه بگیرند. آنها در دادگاه گفتند طرح برای حفاظت از شـهر شوش و مناطق مسـکونی اجرا می‌شود و اعتبار آن تخصیص یافته است. بنابراین مجبور هستیم طرح را انجام بدهیم. توجیه آنها این بود که طرح ایمنی شـهر شوش و زمین‌های کشاورزی را بالا می‌برد.» یامینی، پیمانکار سیل‌بند در گفت‌وگو با «ایران» هم همین موضوع را تکرار می‌کند او می‌گوید طرح مجوز ستاد مدیریت بحران را دارد. او در پاسخ به این سـؤال که در کجای جهان درخت را برای جلوگیری از ورود سیل قطع می‌کنند، می‌گوید: «من کارمند بنیاد مسکن هستم. اما وقتی درختان در آتش می‌سـوزند یا کشاورزان آنها را قطع می‌کنند تا زمین‌های کشاورزی‌شان را گسترش بدهند آقایان کجا هسـتند که سـنگ جلوی رودخانه را به اسـم بزنند.» یامینی می‌گوید: «برای دوختن یک پارچه هم باید ابتدا پارچه‌ای پاره شود. سیل‌بند روسـتای دوار با همکاری و موافقت فرمانداری و ارگان‌های مرتبط انجام می‌گیرد.»

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۶۰۰